



پرسپولیس باید با دو مهاجم نوک بازی کند
عربشاهی: آقاجیحی جرأت
داشته باش و ریسک کن



طعنه شکوری به رضاییان:
حرفه‌ای نبود مدیریت و کادر
فنی راحت فشار بگذارند

برای فوتبالی که ساختمان فدراسیونش به مزایده گذاشته می شود، باید گریه کرد

دایی: به درد ریاست فدراسیون فوتبال نمی خورم!



صالحی امیری حق رأی می خواهد
نه مجوز نظارت بر مجمع
اصرار بر ادامه حذف
کمیته ملی المپیک

روسی‌ها
مخفیانه تمرین کردند

محمدبنا: در المپیک
شانس کسب مدال داریم



صفحه ۴

جلسی - منجستر سیتی؛ ساعت ۲۰۰۰

پپ علیه کرونا

صفحه ۵

یک گل
وحشی
خودرو زیباتر
است یا گل
گلخانه‌ای؟



واقعاً پله را با ماسی
مقایسه می کنید؟

صفحه ۵



آندو: استقلال قهرمان شود کسی نمی گوید زیبا بازی نمی کرد

بازیکنان استقلال حرف شان را در میدان دربی بزنند



نقش مهم
بازیکن آزاد تیم فکری

مهدی پور
تعویض
نمی شود

صفحه ۶

دستیاران برانکو
سود پول شان را خواسته اند

صفحه ۷

سر مربی استقلال به دنبال هافبک داخلی

کریمی در لیست استقلال نیست

صفحه ۶



روایت شهریار و گریگوریان از مینی بسکتبال تالک برتر

ماجرای دو عکس با فاصله پنج سال

صفحه ۲

شهریار و آینده فوتبال ایران



رسول مجیدی @Rasoulmajidi

فدراسیون فوتبال ایران یک سالی می شود که رئیس ندارد و آن شاهانه! پیش تر گفته می شد بازیکنان فوتبال فاند تحصیلات آکادمیک برای نشستن روی صندلی های مدیریت هستند و حالا که برخی از آنها دانشگاه رفته اند و آن شاهانه بدون حمایت اساتید واحد ها می توانند در انتخابات حاضر شوند و چه بسا به واسطه ثروت خود و رفقا و محبوبیتی که در میان اهالی فوتبال دارند بتوانند رئیس فدراسیون شوند اما آیا همین کافی است؟

بی فایده است و شاید اصلاً بازیگران اصلی مجمع انتخاباتی، مانند گذشته تشکیل اتلاف های پنهان یا مدیران قدیمی، بازی دادن به گزینه های دیگر، اعتبار او را هم زیر سؤال ببرند. دایی البته کنایه های هم به وضعیت بد اقتصادی این روزهای فدراسیون فوتبال بدون رئیس ایران کرده: «تا همین امروز نمی دانستم ساختمان فدراسیون فوتبال به مزایده گذاشته است برای فوتبالی که ساختمان فدراسیونش به راحتی به مزایده گذاشته می شود، باید بگریه کرد. «دایی که چند سالی است از مدیریت در فوتبال افتخار دور مانده، چند ماهی است رسوایی در شمال شهرستان افتتاح کرده و ظاهراً فعلاً ترجیح می دهد اوقات فراغت را در همین رستوران سوری کند و فوتبال ایران را رویا را از نمایشگرهای بزرگ رستورانش تماشا کند.



بخت و طبعاً از گروهش بالا نرفت. در سایر ادوار که المپیک ابتدا به صورت یک ورزش آماتوری و سپس (۱۹۹۲) در هیأت یک رشته حرفه ای به اجرا و رقابت نهاده شد، هرگز طعم چیزی بجز ناامی در دیدارهای انتخابی و دوری از آوردگاه نخست جهان ورزش را نچشیده ایم. این بار هم که بسکتبال ایران به لطف همت ذاتی اش در شرایط سخت و البته با یاری جستن از نمایش اسفبار چین در بیکارهای انتخابی در خاک همین کشور صاحب سهمیه المپیک سی و دوم و مسافر توکیو شده، به نظر می رسد از حال خود رادار آن میدان دو شاور بزرگ تیمی تضمین شده و بیروزی می انگارد که برای حضور در مسابقات جهانی ضروری نشان داده، ما محکم و مجبور به ادامه المپیک برای حضور خوش در آن کاری اساسی و الزامی است.

وقتی بحث حضور امثال اسپانیا، آمریکا، روسیه و صربستان در بسکتبال المپیک ها و منجمله در «توکیو ۲۰۲۱» به میان می آید، همه می دانند که آنها چنان سابقه و تجربه و میدان دیداند که هرگز به یک تدارک چندین و چند ماهه برای نتیجه گرفتن در المپیک نیاز ندارند. آمریکا که لیگ بسکتبال خود (NBA) را به سبب مسائل کرونایی ۵۰ روز دیرتر از معمول شروع کرد، پایان این لیگ را مثل معمول زودتر از اواخر خرداد ۱۴۰۰ شاهد نخواهد بود اما همان وقت بکماهه (به ظاهر و باطن) هم برای اینکه در توکیو نیز یک مدعی درجه اول باشد، کفایت خواهد کرد و در اروپا هم ادامه برگزاری مسابقات یورولیک و لیگ های داخلی مجال شروع اردوی نهایی المپیک تیم های ملی را زودتر از ۲۰ خرداد ماه نخواهند داد و با این وجود این کشورها و تیم ها در مرحله ای از تدارکات خوبتشن و جایگاه تاریخی و عمومی شان در بسکتبال فرار دارند که حتی می توانند از همین فرصت های اندک و کوچک برای کسب بهترین نتایج بهره گیرند و حتی اگر قهرمان نشوند به گونه ای ظاهر شوند که ناقص و محکومند جایگاه رفیع شان در بسکتبال جهان نباشد.



بخت بسکتبال ایران با چنان کوره های به کلی متفاوت است. باران حامد حدادی و صمد نیکخواه بهرامی در حالی تابستان آینده در زمین های میدان می آیند که از زمان انتخابی شدن المپیک ها ایران فقط یک بار آن هم به سال ۲۰۰۸ مجوز حضور در رشته بسکتبال این بازی ها را کسب کرده و در آن مرتبه هم برنج بازی اش را در یکین

بخت و طبعاً از گروهش بالا نرفت. در سایر ادوار که المپیک ابتدا به صورت یک ورزش آماتوری و سپس (۱۹۹۲) در هیأت یک رشته حرفه ای به اجرا و رقابت نهاده شد، هرگز طعم چیزی بجز ناامی در دیدارهای انتخابی و دوری از آوردگاه نخست جهان ورزش را نچشیده ایم. این بار هم که بسکتبال ایران به لطف همت ذاتی اش در شرایط سخت و البته با یاری جستن از نمایش اسفبار چین در بیکارهای انتخابی در خاک همین کشور صاحب سهمیه المپیک سی و دوم و مسافر توکیو شده، به نظر می رسد از حال خود رادار آن میدان دو شاور بزرگ تیمی تضمین شده و بیروزی می انگارد که برای حضور در مسابقات جهانی ضروری نشان داده، ما محکم و مجبور به ادامه المپیک برای حضور خوش در آن کاری اساسی و الزامی است.



بخت بسکتبال ایران با چنان کوره های به کلی متفاوت است. باران حامد حدادی و صمد نیکخواه بهرامی در حالی تابستان آینده در زمین های میدان می آیند که از زمان انتخابی شدن المپیک ها ایران فقط یک بار آن هم به سال ۲۰۰۸ مجوز حضور در رشته بسکتبال این بازی ها را کسب کرده و در آن مرتبه هم برنج بازی اش را در یکین

بخت و طبعاً از گروهش بالا نرفت. در سایر ادوار که المپیک ابتدا به صورت یک ورزش آماتوری و سپس (۱۹۹۲) در هیأت یک رشته حرفه ای به اجرا و رقابت نهاده شد، هرگز طعم چیزی بجز ناامی در دیدارهای انتخابی و دوری از آوردگاه نخست جهان ورزش را نچشیده ایم. این بار هم که بسکتبال ایران به لطف همت ذاتی اش در شرایط سخت و البته با یاری جستن از نمایش اسفبار چین در بیکارهای انتخابی در خاک همین کشور صاحب سهمیه المپیک سی و دوم و مسافر توکیو شده، به نظر می رسد از حال خود رادار آن میدان دو شاور بزرگ تیمی تضمین شده و بیروزی می انگارد که برای حضور در مسابقات جهانی ضروری نشان داده، ما محکم و مجبور به ادامه المپیک برای حضور خوش در آن کاری اساسی و الزامی است.



بخت بسکتبال ایران با چنان کوره های به کلی متفاوت است. باران حامد حدادی و صمد نیکخواه بهرامی در حالی تابستان آینده در زمین های میدان می آیند که از زمان انتخابی شدن المپیک ها ایران فقط یک بار آن هم به سال ۲۰۰۸ مجوز حضور در رشته بسکتبال این بازی ها را کسب کرده و در آن مرتبه هم برنج بازی اش را در یکین

بخت و طبعاً از گروهش بالا نرفت. در سایر ادوار که المپیک ابتدا به صورت یک ورزش آماتوری و سپس (۱۹۹۲) در هیأت یک رشته حرفه ای به اجرا و رقابت نهاده شد، هرگز طعم چیزی بجز ناامی در دیدارهای انتخابی و دوری از آوردگاه نخست جهان ورزش را نچشیده ایم. این بار هم که بسکتبال ایران به لطف همت ذاتی اش در شرایط سخت و البته با یاری جستن از نمایش اسفبار چین در بیکارهای انتخابی در خاک همین کشور صاحب سهمیه المپیک سی و دوم و مسافر توکیو شده، به نظر می رسد از حال خود رادار آن میدان دو شاور بزرگ تیمی تضمین شده و بیروزی می انگارد که برای حضور در مسابقات جهانی ضروری نشان داده، ما محکم و مجبور به ادامه المپیک برای حضور خوش در آن کاری اساسی و الزامی است.

هنر نابود کردن تیم رویایی ۱۹۹۸



فدراسیون فوتبال ایران به زودی رئیس جدید خودش را می شناسد. مردی که نیامده می تواند بگوید «ورانه ای تحویل گرفتم». این جمله همیشه و همه جا کاربرد دارد. با کمی افشاگری و چند مصاحبه آتشین در مورد عملکرد تیم قبلی می شود بخشی از فشارها را برداشت. همین جمله علی دایی هم کفایت می کند که گفت «برای فوتبالی که ساختمان فدراسیونش را به مزایده گذاشته اند باید گریست».

ماجرای بیشتر به فیلم های کمدی های کمدی شنبه است. چیزی شبیه «چاره نشین ها» (داریوش مهرجویی) «مگر می شود ساختمان یک فدراسیون را حراج کرد؟ لاید فردا ویدئوهای منتشر می شود که بنگاه های محصل خود خریدار در گرفته اند و دارند بنا را نشان می دهند و طرف هم سرترکان می دهد که: «نخ! عمرش رو کرده این ساختمان، کلنگیه! باید کوبید از نو ساخت!» در سرزمین فدراسیون و قسه، هیچ چیز غیرممکن نیست. رئیس اداره جدید بیست و هفتمین نفری است که روی این کرسی می نشیند. وقتی ایران برای نخستین بار قصد حضور در مسابقات المپیک ۱۹۹۸ لندن را داشت، بیست و هفت حضور در این تورنمنت مهم داشتن فدراسیون های ورزشی مستقل بود.

برای این فدراسیون ها واز جمله فدراسیون فوتبال در سال ۱۳۲۵ تشکیل شد که علی کنی نخستین رئیس آن بود. یک سال بعد و در ژانویه ۱۹۴۸ (بهمن ۱۳۲۶) فدراسیون فوتبال ایران به عضویت فیفا درآمد و در این ۷۰ سال ۲۶ نفر در ۳۷ دوره مدیریت و بی دانشگاهی هم فدراسیون ریاست کرده اند. در ۵۲ سال قبل از انقلاب ۱۰ و ۴۲ سال پس از انقلاب ۱۶ نفر که البته برخی از آنها دو بار بر این کرسی نشسته اند.

نسل جوان چیز زیادی در مورد محسن حداد، حسین سیاسی، حسین میشر، مصطفی مگر و حسین سرودی نمی داند. حتی در مورد کامیاب آتاپی که بنیانگذار لیگ تخت جمشید بود اما پس از انقلاب از ناصر توأموز، امیر عابدینی، داریوش مصطفوی، محمد دادگان، کیومرث هاشمی، علی گفشان و مهدی تاج پسر خاطره دارد. مدیرانی که هر کدام با کارنامه متفاوت معتقدند در دشمنان عمل کرده اند «نگذاشتند» بیشتر از این موفق شوند.

داریوش مصطفوی شاید فوتبالی ترین رئیس فدراسیون فوتبالی باشد که می شناسیم. هم برای تاج توپ زد، هم پرسپولیس و تیم ملی. وقتی رئیس فدراسیون شد، ایران یکی از طلایی ترین نسل های خود را در اختیار داشت اما با رنجی چنانکه بالاخره به جام جهانی ۱۹۹۸ صعود کرد. او البته بعدا کنار گذاشته شد تا محسن صفایی فراهانی عهده دار این سمت شود. مهدی سبخوش، کم حرف و بدون لیخند که برخی معتقدند ساختار فوتبال ایران به شکل حرفه ای را اوایی ریزی کرد. گرچه مصطفوی هنوز هم بابت این انتصاب از سید محمد خاندی و صفایی به شدت انتقاد می کند و معتقد است آنها سیاسی کاری کردند و چیزی از فوتبال نبود.

البته بازیکن سابق تاج و پرسپولیس قریب به ده سال بعد در دولت محمود احمدی نژاد نقره داغ شد. مصطفوی در ۲۶ آبان ۱۳۸۹ با حکم میات رسیدگی به

بسکتبال با خیال درخشش در توکیو



یادداشت
وصل روحانی

معنا و مفهوم «یک تدارک درست المپیک» هنوز برای اکثر ورزش های نامشخص و مبهم و راه های انتخابی آنها در این زمینه خطا است و یکی از این ورزش ها بسکتبال است. در فاصله فقط شش ماه و نیم تا شروع المپیک توکیو این رشته که سهمیه المپیک اش را سال پیش در همین روزها در یک کسب کرد، طوری مشغول یک لیگ داخلی «شخصه شده توسط کرونا» است که به نظر می آید اصلاً فراموش کرده همیا با والیبال تنها ورزش تیمی کسب کننده سهمیه این رقابت بوده است. قطعاً فدراسیون بسکتبال و شخص مهرا ن شاهی طبع که سر مربی تیم ملی است، در دفاع از برنامه های منتهه و کارهای اخیر خود خواهند گفت که با توجه به فاصله زمانی موجود و جریان داشتن لیگ های داخلی و بین المللی در سطح جهان ورودی سریع تر از موعد به عرصه کسب آماجگی المپیک یک اقدام شتابزده و عیب و کم ثمر خواهد بود و بهتر است تا پایان سال جاری صبر کرد و فقط پس از بستن دفتر لیگ داخلی از عید به بعد تدارکات المپیک را شدت بخشید، آنها حتماً به سره پنجره هر از چندگاه مسابقات انتخابی کاب بسکتبال آ و هنوز تیم ملی ایران در سه پنجره اول این بیکارها و پیامدهای آن در اواخر سال گذشته و در طول سال جاری اشاره و تأکید خواهند کرد که در شرایط فعلی چیزی عاجل تر و ضروری تر از این در عرصه های ملی وجود ندارد که ما از آن غافل مانده باشیم و در آینده همان چیز اسباب ناگامی و افسوس ما شود.

با این حال بحث بسکتبال ایران با بحث ۱۱ کشور دیگری که مثل ما مجوز حضور در «المپیک ۲۰۲۱» را گرفته اند، بسیار متفاوت است و جایگاه ما و آنها در بسکتبال جهان به غایت فرق دارد. اکثر این کشورها از بزرگان سنتی و قدرت های حاکم این ورزش در ۵۰ سال اخیر هستند و حتی اگر فقط دوه سه هفته قبل از شروع آوردگاه توکیو اردوی تدارکاتی برای این رقابت ها دایر کنند و کارهای مختصر و مفید برای این مهم انجام بدهند، باز به سبب پیشینه و کسوت و دریای تجربه شان در این رشته در توکیو کم نخواهند آورد و چیزهایی را که از آنها انتظار می رود تحقق خواهند بخشید.

بحث بسکتبال ایران با چنان کوره های به کلی متفاوت است. باران حامد حدادی و صمد نیکخواه بهرامی در حالی تابستان آینده در زمین های میدان می آیند که از زمان انتخابی شدن المپیک ها ایران فقط یک بار آن هم به سال ۲۰۰۸ مجوز حضور در رشته بسکتبال این بازی ها را کسب کرده و در آن مرتبه هم برنج بازی اش را در یکین

ویژه نامه آخر هفته ایران ورزشی را هر پنجشنبه از روزنامه فروشی ها بخواهید
شماره آینده ۱۳۹۹ دی ۱۸
را از دست ندهید

ضمیمه رایگان
ویژه نامه جهان پهلوان تختی
عکس هایی که برای اولین بار منتشر خواهد شد